



بررسی هزینه کردهای جشنواره موسیقی فجر

بودجه انقباضی با دلار ۱۸ هزار تومانی!



بیژن یاری

انتشار هزینه کرد جشنواره‌های زیرمجموعه معاونت هنری وزارت ارشاد در هفته گذشته آن هم در سال دلار ۱۸ هزار تومانی اتفاق خجسته‌ای بود تا همگان از میزان هزینه‌ها و بودجه‌ها و نحوه تخصیص آن مطلع شوند و ارزیابی بهتری از شفافیت درون مجموعه وزارت ارشاد پیدا کنند. هر چند این مساله شفافیت در نگاه اول نگاهی حاکی از سپاسگزاری از هر بیننده‌ای

می‌طلبد اما در حین تدقیق و مقایسه نکات جالب و بعضاً قابل پرسشی بروز می‌نماید. خاصه آنکه اهل موسیقی باشی و هنر سال هاست زیر تیغ محدودیت و ممنوعیت نفس بکشد و موسم جشنواره فجر مجال نفس کشیدن اندکی راحت‌تر تلقی گردد. از این منظر نگاهی اجمالی به سه جشنواره موسیقی، تئاتر و تجسمی فجر آه از نهاد هر موزیسینی برمی‌آورد؛ چرا که بودجه‌های هر سه این هنرها با هم قابل قیاس نیستند. مطابق آمار اعلامی معاونت هنری وزارت ارشاد برای برگزاری سی و چهارمین جشنواره موسیقی

فجر مبلغ ۳ میلیارد و ۲۶۹ میلیون تومان هزینه کرد ثبت شده است. این عدد را لطفاً مقایسه کنید با مبلغ برگزاری یازدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر که بالغ بر ۲ میلیارد و ۹۷۳ میلیون تومان هزینه در آن ثبت شده است و همچنین هزینه کرد سی و هفتمین جشنواره تئاتر فجر با مبلغ ۶ میلیارد و ۵۵۰ میلیون تومان؛ یعنی بودجه جشنواره تجسمی فجر تنها ۳۰۰ میلیون کمتر از جشنواره موسیقی فجر است و البته بودجه جشنواره تئاتر فجر دقیقاً دو برابر بودجه جشنواره موسیقی

است. درست است که به قول مدیران و تصویب کنندگان بودجه، اختلاف بودجه‌ها در شاخه‌های گوناگون هنر به طبیعت هر هنر بازمی‌گردد، اما آیا در سال دلار ۱۸ هزار تومانی اختصاص ۳ میلیارد بودجه به جشنواره موسیقی فجر دوره سی و چهارم که در سال قبل از آن با دلار ۴ هزار تومانی بودجه‌ای بیشتر نزدیک به ۴ میلیارد تومان داشته است سزااست؟

مربوط به جشنواره موسیقی فجر را نسبت به دوره سی و سوم کاسته است؟ چه فکری در ذهن معاون محترم هنری وجود داشته است که صلاح دیده‌اند بودجه جشنواره تجسمی را تا نزدیکی جشنواره موسیقی تعیین نمایند و برای تئاتر نیز دو برابر جشنواره موسیقی بودجه تخصیص داده‌اند؟

آیا در ذهن معاون هنری فراهم کردن گروه‌های موسیقی برای شرکت در جشنواره فجر در اندازه گروه‌های تئاتر نیست که بودجه‌ای به اندازه نصف بودجه تئاتر را به موسیقی تخصیص داده‌اند؟ به راستی معیار تخصیص بودجه به جشنواره‌ها در معاونت هنری چیست؟ کدام عمل در جامعه موسیقی موجب می‌شود که معاون هنری رقم بالاتری برای جشنواره موسیقی در نظر بگیرد؟ به راستی چرا موسیقی در نظر معاون هنری محجور واقع می‌شود آن هم با ۸۴ گروه موسیقی در جدول جشنواره دوره سی و چهارم ولیکن باین همه گروه حاضر، بودجه در نظر گرفته شده بسیار ناچیز است آن هم در سال جهش قیمت‌ها و تورم پانصد درصدی؟

آیا معاون محترم هنری برای این گونه سیاست تقسیم بودجه پاسخی شایسته آماده دارند و می‌توانند از این وضعیت دفاع کنند؟ چرا که موسیقی‌ها وقتی به این اختلاف فاحش در هزینه کرد بودجه‌های تئاتر و تجسمی در مقایسه با بودجه جشنواره موسیقی

آیا مدیران در تسهیم بودجه هنرها عادلانه برخورد کرده‌اند؟ چرا معاون محترم هنری وزیر ارشاد در این سال سخت موسیقی فجر را نسبت به دوره سی و سوم کاسته است؟

فجر دقیق شوند از هر چه حضور در جشنواره است دل‌سرد می‌گردند. آیا معاون محترم هنری فکری به حال جشنواره سی و پنجم موسیقی فجر کرده‌اند تا با ریزش گر وها به دلیل انقباضی بودن بودجه در سال قبل مواجه نگردند؟

یعنی کوچک‌ترین عواقب این بودجه بخشی آن است که موزیسین‌ها بی‌علاقه به حضور در جشنواره موسیقی فجر می‌شوند که بودجه آن به نحو محسوسی انقباضی تخصیص یافته است و گشاده‌دستی در سایر هنرها این تأثیر بد و واکنش منفی موزیسین‌ها را موجب شده است.

راهکار معاون محترم هنری وزارت ارشاد برای حل این معضل می‌تواند محک خوبی در درایت عدم معضل آفرینی ایشان برای جامعه موسیقی و جشنواره موسیقی فجر آتی باشد و از قهر جامعه موسیقی نسبت به جشنواره موسیقی فجر جلوگیری نماید. باید دید آیا مجتبی حسینی برای این مساله راهکاری دارد یا خیر؟

خیزش را انجام دهد و هدایت کند؟! آیا وقت آن نرسیده تا نهادهای صنفی ما اعم از انجمن صنفی هنرمندان موسیقی و خانه موسیقی در رویکردهای خود کمی تجدیدنظر کنند؟

کوتاه مدت، کوچک و البته مهمم حوزه انتخاباتی اش را بر یک مساله ملی و حفظ بخش مهمی از فرهنگ و هنر کهن کشورش ارجح بداند؟

۷. چرا خانه موسیقی به عنوان یک نهاد صنفی با توجه به اینکه می‌دانیم پیش از تصویب از چنین طرحی مطلع بوده، این مساله را با جامعه موسیقی در میان نگذاشته و حتی تا امروز بعد عمومی به آن نداده و سعی نکرده با حمایت افکار عمومی سنبه پر زورتری را علیه این طرح به کار گیرد.

۸. چرا خانه موسیقی باید صرفاً در زمانی سکوتش را بشکند که مساله به بحران رسیده، تمام افشار جامعه موسیقی مستقیماً درگیر شده‌اند و همه می‌دانند طوماری با تعداد بالای امضا در شرف انتشار است؟! آن هم با انتشار اطلاعیه‌ای ظاهراً سرآسیمه تا دست پیش بگیرد و صرفاً بگوید: ببینید! ما هم بوده‌ایم.

۹. آیا وقت آن نشده که خانه موسیقی دست از دشمن انگاری منتقدان اکثراً خسته و ناامیدش بردارد و با شفاف‌سازی، قانونگرایی، پاسخگویی و خروج از باند بازی‌ها و سیاسی کاری‌های رایجش و کاستن از خیلی مصلحت‌اندیشی‌های بیهوده و کهنه مرسوم به ایجاد پایگاهی مردمی بنا بر وثوق اکثریت جامعه موسیقی اقدام کند تا در چنین شرایطی عملاً ملجا، مامن و کمک حال اهالی موسیقی قرار بگیرد؟

۱۰. آیا واقعا تهیه طومار و ایجاد کمپین برای مقابله مستقیم با امثال این طرح که معاش اغلب موسیقی‌دانان را هدف می‌گیرد و بسیاری از گونه‌های هنری موسیقی را در خطر انقراض قرار می‌دهد و وظایف ذاتی یک نهاد با ادعای صنفی قرار نمی‌گیرد و جامعه موسیقی هربار باید به صورت خودجوش این

گپ و گفت

سهراب کاشف، رهبر مهمان ارکستر ملی ایران: همه مسئولیم

سهراب کاشف که قرار است به عنوان رهبر مهمان ارکستر ملی ایران را هدایت کند، معتقد است در زمانه‌ای که گوش مردم به سمت موسیقی نامناسب سوق پیدا کرده، همه برای سلیقه مخاطب مسئولیم. کاشف ۳۱ خرداد ماه با ارکستر ملی ایران روی صحنه خواهد رفت. کاشف درباره اجرای پیش رو نکاتی را یادآور شده است که در ادامه می‌خوانید:

فرآیند همکاری
دعوت بنیاد رودکی برای رهبری مهمان ارکستر ملی سر آغاز این همکاری بود که با کمال میل آن را پذیرفتم. آنگونه که مطلع شدم بر نامه‌ریزی اجرای پیش روی ارکستر ملی به رهبری آقای منوچهر صهبایی و خوانندگی آقای سراج از قبل انجام و تمرینات اولیه آن نیز آغاز شده بود که در ادامه به دلیل تغییراتی که در برنامه‌ها بوجود آمد مسئولیت رهبری ارکستر در این اجرا به من سپرده شد. امیدوارم بتوانم به طور موثر در خدمت ارکستر ملی باشم.

رپر توار اجرای
رپر توار اجرای این برنامه در دو بخش با کلام و بی کلام خواهد بود که در بخش بی کلام آثاری از زنده‌یادان حشمت سنجری و مرتضی حنانه و در بخش با کلام قطعاتی از آثار آقای علی رحیمیان با صدای آقای حسام‌الدین سراج اجرا خواهد شد. برایم این اولین همکاری با آقای سراج خواهد بود که امیدوارم نتیجه آن مورد پسند مخاطبین عزیز واقع شود.

وضعیت نوازندگان ارکستر
نوازندگان خوبی در ارکستر ملی و سمفونیک حضور دارند و به همین دلیل ارکسترها از ظرفیت‌های خوبی برخوردار هستند. در مقایسه با همکاری قبلی که با ارکستر ملی داشته‌ام نوازندگان جوان و مستعدی به ارکستر ملحق شده‌اند که برخی از آنان را می‌شناسم و از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان توانمند دانشگاه‌های معتبر کشور هستند. این موضوع بسیار برایم موجب خوشحالی است و به طور قطع حضور جوانان توانمند باعث رشد کیفی ارکستر است. طبعاً بر نامه‌ریزی با نگاه تخصصی باعث شکوفایی بیش از پیش ارکسترها خواهد شد.



وضعیت موسیقی و یک آرزو
چهار سال پیش که به ایران عزیمت کردم بازگشتم در همان روزهای اول متوجه نیاز مهمی شدم «آموزش با کیفیت و قابل رقابت با استانداردهای روز دنیا» پس از چند اجرا که در نوع خود موفق و شاخص بودند به ناگاه تصمیم گرفتم مدتی به روی صحنه نروم و تمام تمرکز و وقت خود را بدون هیچ توقعی صرف نسل آینده کنم. به همین دلیل در هنرستان‌های موسیقی و دانشگاه‌های هنر و تهران مشغول به پرورش نسل نوجوان و جوان شدم که معتقدم به طور قطع آینده‌ی روشن موسیقی کشور به دست همین جوانان و نوجوانان رقم خواهد خورد. امروز هم افتخار می‌کنم که همین جوانان با حضور خود در ارکسترهای مختلف باعث ارتقاء سطح کیفی مجموعه اطراف خود هستند. آرزویم این است که این جوانان قدر خود را بدانند و این روند رو به رشد که چهار سال پیش آغاز شده همچنان ادامه‌دار باشد و بتوانم کاری هر چند کوچک برای این نسل کرده باشم.

نزول سلیقه مخاطب
فکر می‌کنم برای سلیقه مخاطب همه مسئولیم؛ تولید کنندگان آثار موسیقایی، اجراکنندگان، آهنگسازان و البته خود مخاطب. آرزویم این است که هر روز نگاهی حساس‌تر و تلاشی بیش از پیش داشته باشیم و انتخاب‌های بهتری را در دسترس مخاطبان قرار دهیم. مخاطب هم این حق را دارد که مشکل پسندتر باشد.

دنگ و دوتنگ

بررسی و پرسشگری درباره قانون اخذ ۱۰ درصد در آمد بلیت فروشی کنسرت‌ها

یک قانون و چندین پرسش

کیوان فرزین

فرهنگی و از جمله معاون امور هنری وزارت فرهنگ نیز صورت گرفت اما عملکردها و موضع‌گیری‌های بخش‌های مختلف مدیریت فرهنگی کشور و جامعه هنری بر اینهاست پیرامون این قانون و به تبع آن فضای موسیقی چنان دامن زده که لزوم بررسی موشکافانه‌تر چرایی امثال این اتفاق را بیش از هر زمان دیگری نمایان می‌سازد. مسائلی که اگر امروز همچنان به‌طور جسارت و عملگراییانه بدان نپردازیم و بر اساس واقعیت‌ها به اصلاح خود، جامعه و سیاست‌های فرهنگی و هنری همت نگاریم مسئولیت آسیب‌های آتی آن متوجه نسل ما و در وهله اول سیاست‌گذاران عرصه فرهنگ و هنر خواهد بود و انداختن بار آن بر گردن تهاجم فرهنگی غرب و شرق، رسانه‌های بیگانه، عوامل خودفروخته و یا هر دشمن خیالی‌ای تنها جز بهانه‌ای برای فرار از مسئولیت و سرپوش گذاشتن بر بی‌کفایتی‌ها و اهمال‌های نسل ما نخواهد بود، چنانکه واقعه اخیر رخ داده در مدارس کشور نیز جز این نبود و نتیجه قانون‌هایی از این دست قطعاً آینده‌ای بس اسفبارتر را بر ایمان به ارمان خواهد آورد.

اما چند سوال در همین ارتباط:

۱. آیا در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر دین‌پروری و مدیریت مستقیم آن حوزه و دست‌اندرکاران و جامعه مرتبط امری متداول به شمار می‌رود؟
۲. آیا نمی‌بایست قبیل از تهیه چنین طرحی با هنرمندان و فعالان حوزه موسیقی

بی‌شک بی‌راه نرفته‌ایم اگر بگوییم تصویب قانون اخذ ده درصد از کنسرت‌های موسیقی در کلانشهرهای یکی از پرچالش‌ترین اتفاقات معاصر موسیقی کشور ما بوده است، قانونی که اثرات مخرب و ویرانگر کوتاه مدت و بلند مدت آن بر کسی که در این وادی دستی بر آتش داشته و دارد پوشیده نیست و پرداختن به آن خود مجالی دیگر می‌طلبد. به محض خبری شدن تصویب این قانون از سوی آقای علی اصغر کاراندیش معاون حقوقی وزارت فرهنگ در اواخر سال گذشته مجمع صنفی تولید کنندگان آثار شنیداری و انجمن صنفی هنرمندان موسیقی طی بیانیه‌هایی جداگانه نسبت به تصویب این قانون اعتراض کرده و آن را به زیان هنر موسیقی و مغایر با مصالح اهالی آن دانستند. اما در سال جاری و در ادامه اعتراضات جسته و گریخته اهالی موسیقی و رسانه‌ها این استعفای علی ترابی مدیر کل دفتر موسیقی بود که جریان را وارد فاز جدیدی کرد تا نهایتاً با انتشار طوماری شدیدالحن از سوی بیش از ۲۰۰ نفر از اهالی موسیقی به‌اوج خود برسد، طوماری که به تاریخ هشتم خردادماه به صورت سرگشاده منتشر شد و تا امروز هیچ واکنش یا پاسخ مستقیمی را از سوی دولت مردان و وکلای مردم که در این نامه خطاب گرفته‌اند در پی نداشته است.